

نگاه **فاطمه عباسی**؛ روزنامه‌نگار

زد یکی ملت‌ها با وساطت کلمات

موقعیت جغرافیایی و فرهنگی ایران در میان کشور‌های خاورمیانه، این سرزمین را به مأمَن و ممری برای مهاجران کشورهای همسایه تبدیل کرده است. به اذعان کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل UNHRC، جمهوری اسلامی ایران میزبان یکی از بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین موقعیت‌های پناهندگی در جهان است. در حال حاضر ۸۰۰هزار پناهنده در ایران زندگی می‌کنند که ۲۰هزار نفر آنها عراقی و ۷۸۰هزار نفر از ایشان افغان هستند. همچنین ۲٫۶میلیون افغان بدون مدرک و ۶۰۰هزار دارنده پاسپورت افغانستانی در کشور ایران زندگی می‌کنند که این آمار پس از تحولات افغانستان در سال ۲۰۲۱، بیشتر نیز شده است. حضور مهاجران افغانستانی در ایران به‌دلیل تعلق آنها به وسعت پیکره فارسی‌زبانان از اهمیت خاصی برخوردار است، اما به‌نظر می‌رسد در برهه‌هایی از تاریخ، ورود رسانه‌ها به این پدیده همراه با ترویج نوعی دیگر بودگسی و نگرانی‌های امنیتی بوده است؛ رویکردی که در سال‌های اخیر و با رشد فضای مجازی و تسهیل ارتباط‌های بینافردی، تغییری تدریجی پیدا کرده است.

رضا امیرخانی، نویسنده ایرانی که سفرنامه جانستان کابلستان را از خاطرات نخستین سفر خانوادگی خود به افغانستان نوشته، بعد از ملاقات‌های بعدی خود با فرهیختگان افغان تصریح می‌کند: «رابطه فرهنگی این دو پاره جداشده، نمی‌گویم در ملت، نزدیک‌تر شده و این نزدیکی فقط به واسطه کلمه است، به واسطه فرهنگ که فرهنگ، خود، بالادستِ سیاست می‌نشیند.»

<div>دیدگاه</div>
<p>نقش رسانه در تحکیم مرزهای فرهنگی ایران</p>
<p>مهدی قزلی، مستندنگار، روزنامه‌نگار و مدیر فرهنگی کشورمان نیز که بخش ویژه افغانستان را در نهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد گنجاند، به انتشار ۲ کتاب و مطدار و دوربرگردان ارجاع می‌دهد، کتاب‌هایی که روایتی دست اول از زندگی ۲۸ افغانستانی مهاجر به ایران و مجاهدت‌های لشکر فاطمیان در دفاع از حرم حضرت زینب(س) پرداخته‌اند. این آثار که به قلم فرهیختگان افغانستانی ساکن در ایران نوشته شده، زوایای جدیدی از زندگی این فارسی‌زبانان مهاجر را بازتاب می‌دهند که کمتر دیده شده، نکته‌ای که به اذعان این نویسنده، ارتباط فرهنگی ما را تسهیل و رابطه گسسته ما را متصل می‌کند چرا که مرزهای فرهنگی ایران پنهاورتر از مرزهای سیاسی‌اش است و باید آن را به رسمیت شناخت و توسعه بخشید. نکته قابل تاملی که علیرضا قزوه، شاعر، مدیر فرهنگی و وابسته فرهنگی سفارت ایران در تاجیکستان نیز به آن اشاره دارد، قزوه وضعیت ادبی و فرهنگی فعالان افغان در ایران را نسبت به شاعران و نویسندگان داخل افغانستان بهتر و قوی‌تر ارزیابی می‌کند و معتقد است: این ارتباط فرهنگی قوی باید توسط رسانه‌ها بازتاب پیدا کند تا نخبگان افغان، اعم از اهالی ادبیات، شاعران، خبرنگاران و هنرمندان این کشور بتوانند با ارتباط مستمر خود با نگاهی فرهنگی در ایران پیدا کنند. این ارتباط فرهنگی منجر به شکل‌گیری درکی مشترک خواهد شد که به تبع آن روابط دیپلماتیک و سیاسی نیز مستحکم می‌شوند.</p>

<div>گفت‌وگو</div>
<p>موضعی رحیمانه و منعطف</p>
<p>قزوه پیشنهاد داد که فضای رسانه با انعطاف بیشتری به فعالیت‌های فرهنگی و هنری مهاجران ورود کند و به چهره‌های خوب و فعال افغان اجازه دهد فعالیت‌های خود را از مجاری رسمی و برخاطب بازتاب دهد.</p>
<p></p>

مینا قاسمی، خبرنگاری که سابقه حضور و تهیه گزارش میدانی در افغانستان را دارد، از بهبود نسبی وضعیت بازتاب اخبار مربوط به مهاجران افغانستان در رسانه‌های داخلی می‌گوید و توضیح می‌دهد که اگر چه عمدتاً آسیب‌های اجتماعی افغان‌ها و مشکلات امنیتی و وضعیت امارت اسلامی طالبان در صدر اخبار خاورمیانه قرار دارد، اما مرادات اقتصادی و تجاری بین ۲ کشور نیز یکی از اسباب ارتباط بیشتر مردم با یکدیگر و پذیرش مسائل مربوط به مهاجران افغانستانی در ایران را فراهم کرده است. ارتباطی که موضع رسانه‌ها را تا حدودی و به تعبیر این خبرنگار «رحیمانه» کرده؛ از دیگر سو، با انعکاس برخی مشکلات اقامتی، مالی و … نظیر برکه‌های هویتی و شناسنامه‌ای و به تبع آن آموزشی، وضعیت زندگی مهاجران افغان در ایران نسبت به گذشته تا حدودی بهتر شده است. باید به‌خاطر بسپاریم که رسانه می‌تواند با اتخاذ موضعی انسانی و فرهنگی به استحکام و توفیق این رابطه برود-برد بین فارسی‌زبانان منطقه کمک کند.

<div>گزارش</div>	<div>امید محمدیان پهلوان</div> <div>روزنامه‌نگار</div>
<p>حدود ۲هفته قبل بود که خبر به‌مشکل خوردن افغانستانی‌های ساکن تهران رسانه‌ای شد؛ این بار در استفاده از حمل‌ونقل عمومی به‌خصوص مترو، نه به‌دلیل ممنوعیت تهیه بلیت بلکه ایستگاه‌های مترو، فروش بلیت را به شکل نقدی متوقف کرده بودند و افغانستانی‌ها نیز از داشتن حساب و کارت بانکی محروم هستند. ممنوعیت داشتن حساب و کارت بانکی، در تماشای شهر آورد چند روز پیش نیز مشکل‌ساز شد؛ افغانستانی‌های</p>	

حدود ۲هفته قبل بود که خبر به‌مشکل خوردن افغانستانی‌های ساکن تهران رسانه‌ای شد؛ این بار در استفاده از حمل‌ونقل عمومی به‌خصوص مترو، نه به‌دلیل ممنوعیت تهیه بلیت بلکه ایستگاه‌های مترو، فروش بلیت را به شکل نقدی متوقف کرده بودند و افغانستانی‌ها نیز از داشتن حساب و کارت بانکی محروم هستند. ممنوعیت داشتن حساب و کارت بانکی، در تماشای شهر آورد چند روز پیش نیز مشکل‌ساز شد؛ افغانستانی‌های

نقش رسانه‌ها و پذیرش خارجی‌ها

شدند، به‌نظر جامعه‌شناسان، یک دلیل برخورد متفاوت اروپاییان نسبت به پناهندگان اوکراینی زمین‌های ذهنی نژادپرستانه و بروز رفتارهای گزینشی است. از طرفی، اوقیبات مشکلات اقتصادی اروپا بسیار جدی است و دست کم باید با روند محدودتری در پذیرش اوکراینی‌ها مواجه می‌شدیم، اما همچنان، پذیرش پناهندگان اوکراینی در کشورهای اروپایی با امتیازاتی نظیر اسکان سریع‌تر و فرصت‌های شغلی ادامه دارد. حفظ این روند(پذیرش راحت‌تر

رسانه‌های خبری در ایران و بازنمایی افغانستانی‌ها

به اعتراف بسیاری از فعالان رسانه‌ای، محتواهای رسانه‌های ایران در طول ۴دهه اخیر، به‌ویژه در خبرگزاری‌ها، به پوشش اخبار مربوط به اتباع خارجی افغان در حوزه‌های خاص محدود بوده و به قدر کافی به ظرفیت‌های فرهنگی، تمدنی و هویت مشترک میان ۲ملت توجه نشده است. این رویکرد موجود در رسانه‌ها نسبت به اتباع افغانستانی، اشکال دیگر مواجهه رسانه‌ها با این موضوع را نشان می‌دهد. علاوه بر اینها، تمرکز بیشتر اخبار و گزارش‌ها نیز بر تحولات داخل کشور افغانستان و ناظر بر جنبه‌های سیاسی و امنیتی آن است و البته وزن سنگینی هم به اخبار آسیب‌ها و مشکلات ناشی از زندگی افغانستانی‌ها در ایران تعلق گرفته آن هم در حالی‌که رویکردی آسیب‌شناسانه

تلاش رسانه‌های خارجی و روندهای اخیر رسانه‌های داخلی

گمراه‌کننده هستند. رسانه‌های خارجی نیز به‌دلیل دوری و عدم‌دسترسی نزدیک، توان تنظیم روایت و گزارش واقع‌بینانه را ندارند. پژوهش دیگری که شامل شبکه‌های اجتماعی افغانستانی ساکن ایران از بازنمایی آنها در تلویزیون ایران که در سال ۱۴۰۰ کرده است، نشر شد، به بررسی شاخص‌های روند اخیر برنامه‌های تلویزیونی در بازنمایی وضعیت افغانستانی‌های ساکن در ایران پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داده که به‌طور کلی، افغانستانی‌ها از بازنمایی خود در برنامه‌های تلویزیونی

رسانه



مواجهه رسانه‌های ایران با مهاجران افغانستانی

افغانستانی‌های ساکن ایران در آئینه رسانه‌ها

مشقاتی به تماشای دربی و حضور در استاد یوم بازم نتوانستند هزینه بلیت استاد یوم را از طریق کارت بانکی پرداخت کنند. لیست ممنوعیت‌ها اما طولانی‌تر است؛ ممنوعیت ورود فارغ از شرایط تجاری و تفریحی بام‌لند در روزهای اول سال نیز خیر ساز شد؛ ایامی که در فرهنگ و سنت مشترک مردم ۲کشور به‌عنوان عید نوروز جشن گرفته می‌شود و می‌تواند فرصتی مناسب برای بر جسته‌کردن و بهره‌برداری از ظرفیت‌های مشترک فرهنگی و تمدنی ۲کشور باشد. این اقدام که به پنهان راحتی گردشگران ایرانی انجام شده بود، متعاقباً با واکنش‌های متفاوت و اغلب منفی مردم در شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شد؛ این اتفاقات بهانه خوبی برای بررسی و مرور تصویر افغانستانی‌ها

افغانستانی‌ها در آئینه فیلم و سینما

در محتوایی مانند فیلم و سینما نیز اغلب شاهد بازنمایی زندگی افغانستانی‌های ساکن در ایران در چارچوب‌هایی خاص و کلیشه‌ای هستیم؛ درحالی‌که می‌توان به سمت نگاهی آسیب‌شناسانه حرکت کرد و حتی روایت‌هایی منحصر به‌فرد و متفاوت ارائه داد. واقعیت این است که بسیاری از افغان‌های ساکن ایران باوجود محدودیت‌های مختلف و مهم‌تر از همه دشواری تحصیل، در نهایت در همین کشورمان ایران، توانسته‌اند به مدارج علمی عالی دست پیدا کرده یا از لحاظ اقتصادی جایگاه مناسب‌تری کسب کنند. نخبگان افغانستانی به‌خصوص در عرصه شعر و ادب نیز کم نبوده‌اند و برای نقش مهمی ویژه آنان غفلت کرد. به‌عنوان نمونه، در پایان‌نامه‌ای دیگر که در سال ۹۳ در دانشگاه تهران، به بررسی بازنمایی افغانستان در سینمای داستانی ایران پرداخت، اثر سینمایی به‌نام‌های سفر قندهار، خاک و مرجان، آخرین ملکه روی زمین و گلچهره مورد پژوهش قرار گرفت. نتایج این مطالعه نیز بر دگرنگاری افغانستانی‌ها و بزرگ‌نمایی ناهنجاری‌های اجتماعی در میان آنان تأکید دارد. در این پایان‌نامه آمده که «افغانستان صرفاً کشوری جنگ‌زده، فقیر و درگیر اعتیاد و در نهایت تحت استعمار غرب معرفی شده است.»

این یک فرصت ارزشمنده است

نگاه معطوف به فرصت‌بودن اتباع خارجی افغان در کشور ایران با توجه به پیوندهای عمیق فرهنگی و تاریخی ۲کشور، دور از واقعیت نیست؛ فرصتی که به قدر کافی در رسانه‌ها برای پذیرش و آمادگی آذهان عمومی پرداخته نشده است. رسانه‌های داخلی هم در تصویرسازی همه‌جانبه و متناسب از زندگی خارجی افغان در ایران نقش مهمی دارند و هم می‌بایست آذهان عمومی مردم ایران را به‌عنوان یک جامعه میزبان برای پذیرش و بر خورد با افغانستانی‌ها متناسب با واقعیات و زمینه‌های موجود آماده کنند. نگاه رسانه‌ها نباید به سمت یک رویکرد یا جنبه‌ای خاص از رویدادها و واقعیات معطوف شود، بلکه باید رویکردی باشد که در درجه نخست آسیب‌شناسانه بوده و همچنین محور نگاه آن بر جنبه‌های مشترک فرهنگی، تاریخی و هویتی ۲ ملت متمرکز باشد. پیوندهای ماگسستنی تاریخی، فرهنگی و هویتی میان ایران و افغانستان سابقه عمیقی دارد و نه می‌توان و نه باید از آن غفلت کرد. رسانه‌ها باید با باور به ظرفیت‌های موجود، نقش مهمی در برجسته‌سازی و عنینت‌یافتن هر چه بیشتر این پیوندها به‌منظور ترمیم آسیب‌ها ایفا کنند. جنگندگی، فقر و سایر آسیب‌های عمده‌ای که به مردم افغانستان وارد شده، غیرقابل انکار است و همچنین در مقابل فرهنگ، تمدن و غنی و نزدیکی این مردم فارسی‌زبان به ایران در کنار تلاش مردمان و نخبگان‌شان برای جبران کاستی‌ها و حفظ فرهنگ غنی خود، غیرقابل چشم‌پوشی است. ایران و افغانستان ظرفیت‌های ارزشمندی را برای ایفا و نقش مکمل در حوزه‌های متنوع، در کنار یکدیگر در آینده‌های دور و نزدیک دارند که امید است با تمرکز بر آن، روزهای بهتری را شاهد باشیم.

پیر هرات و حافظ شهر، از یک بهار رد شده‌اند

<div>«گیسوان کابلی»؛ همدردی شاعرانه با همسایه</div>	<div>کتاب «گیسوان کابلی» اثری متفاوت از یک شاعر ایرانی درباره افغانستان است. محمدحسین انصاری‌نژاد با ذوق هنری خود مجموعه سروده‌هایی را در رابطه با این کشور منتشر کرده که بیشتر متمرکز بر همدردی در پنج مردم افغانستان در وقایع مختلف در این کشور است. کتاب «گیسوان کابلی» در ۱۳ فصل به نام‌های «از جاده هرات» و «چکامه‌های کابلی» تدوین شده و شامل ۱۵ شعر بلند و کوتاه است. در مقدمه کتاب به قلم غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی آمده است: «این شعرها، نشانه همزبانی و برخاسته از همدلی شاعر با مردم افغانستان است و بهتر است بگوییم حرف دل مردم ایران است که به زبان شعر به قلم انصاری‌نژاد آمده است. این همدلی‌ها و همزبانی‌ها، این بستگی‌ها و دل‌بستگی‌ها که چکامه‌های کابلی نمونه‌ای از آن است، حکایت زنده بودن ملت‌های ماست.» گفتنی است که این اثر با واکنش مثبت نخبگان افغانی در ایران روبه‌رو شد. این کتاب خواندنی را اثر سریر و در ۶۲صفحه منتشر کرده است.</div>
------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

همیشه‌ری

<div>یادداشت</div>	<div>سید مهدی سیدی؛ کارشناس رسانه</div>
---------------------------	------------------------------------------------

تصویر رسانه‌ها از مهاجران افغانستانی

این فرمول چندان پیچیده نیست: رفتار ما تابع تصورهای ماست. ما آنگونه عمل می‌کنیم که می‌اندیشیم و چه بسیار مواقع که اندیشه‌های ما نتیجه تصویرهایی است که از یک موضوع در ذهن خود ساخته‌ایم. فرض کنید سه به دلیل (واقعی یا غیرواقعی) یکی از اطرافیان را بی‌رحم یا سنگدل بدانیم، پس حتماً در رفتارهای روزمره با او نوعی از حفاظت و خشونت متقابل را اعمال می‌کنیم. یا مثلاً حالتی را در نظر بگیرید که تصویر ذهنی ما از مردم یک شهر، به یک صفت مذموم آلوده شده باشد آن‌وقت است که هنگام حضور در میان آنان جنس خاصی از رفتار را به‌کار می‌گیریم؛ رفتاری که حتماً در مواجهه با مردمان سایر شهرها از آن احتراز خواهیم کرد. اما تصویرهای ذهنی ما از کجا می‌آید؟ چرا در قسمت ناپیدی‌ای ذهن خود بعضی آدم‌ها را دوست‌داشتنی و بعضی را «غیر» می‌دانیم؟ چرا اخبار بد را درباره آدم‌های گروه اول ندید می‌انگاریم اما همانا اخبار را در باره گروه دوم ضریب می‌دهیم؟ چرا به‌صورت ناخودآگاه و بدون هیچ طراحی ارادی، رفتار ما با برخی گروه‌های جامعه تحقیرآمیز و مزوی‌کننده است؟

قاعدتاً بخش زیادی از تصورهایی که در ذهن داریم حاصل مشاهدات مستقیم یا روایت‌های تجربی و صادقانه نیست، بلکه این رسانه‌ها هستند که معماری ذهن ما را به‌عهده گرفته‌اند. رسانه‌های گوناگون با دروازه‌بانی خبر، تیترها، انتخاب عکس‌ها و مهندسی سوز‌ها در محاسبات ذهنی مخاطب تصرف کرده و او را وادار می‌کنند راجع به پدیده‌های گوناگون به نحو خاصی بیندیشند.

حال بیاید این مقدمات را با تصویری تطبیق دهیم که رسانه‌ها در طول سال‌های مدید راجع به افغانستانی‌های مقیم ایران ساخته‌اند. به‌نظر می‌آید در طول دهه‌های اخیر، تصویری که در رسانه‌ها از مهاجران افغانستانی ساخته شده چندان با واقعیت این مردم تطبیق ندارد و برخی رسانه‌ها در رقابتی غرض‌ورزانه، با برچسب‌زنی‌ها و تولید حس‌های منفی تصویر مهاجران را در ذهن ایرانی‌ها مخدوش و هراس‌انگیز روایت کرده‌اند. از همین روی حتی گاه به‌دلیل نادرستی یا نادرستی اخبار افغانستانی نوعی از تحقیر یا تضعیف را روا می‌دارند. حال آنکه مردمان کشور همسایه در بسیاری از موارد در ما همرشه هستند و در بنیان‌های فرهنگی، ادبی، زبانی و تاریخی ریشه‌های مشترک فراوانی دارند. ضمن آنکه نسل نسو افغانستانی‌های مقیم ایران اساساً متولد ایران هستند و پیوندهای خانوادگی و هویتی گسسته‌ناپذیری با ما پیدا کرده‌اند و در نقش‌های مؤثر و مولدی در کشور حاضرند. اما اینکه فرزندان ما گاهی مهاجران افغانستانی را صرفاً در قالب‌های تکرار شونده‌ای نظیر کارگر ساختمانی، دوره‌گرد یا کودک کار تلقی می‌کنند و از گستره هوش و علم و تلاشگری بخش وسیعی از شهروندان افغانستان و حتی مهاجران آنان به کشورهای مختلف دنیا بی‌خبرند نبردا دهنده بر ساخت‌های رسانه‌ای است؛ بر ساخت‌هایی که ذهن ما را در باره واقعیت‌های زیبا و با عظمت، دچار خرفتی و خطا کرده است.



البته یک دیدگاه معتقد است رسانه، دنباله‌رو خواست و ذهن مردم است و صرفاً واقعیت‌های ذهنی را نمایش می‌دهد؛ چون مردم تصورشان از مهاجران چنین بوده است پس رسانه هم ضرورتاً همان تصور را بازنمایی کرده است اما دیدگاه دوم می‌گوید خواست و تصویر ذهنی مردم دنباله‌رو رسانه‌هاست. چنانچه این دیدگاه را بپذیریم پس مهاجران در ایران برقرار کنیم، البته برخی مطالعات نشان می‌دهد در سال‌های اخیر تا حدودی نگرش رسانه‌های ایرانی به مهاجران متحول شده است و تصویر تک‌بعدی و پیشین را ترمیم کرده است. به‌عنوان بخشی از دلیل گفته می‌شود حضور و اشتراکی برخی از مهاجران افغانستانی در رسانه‌های ایرانی، عاملی بوده است که در این تعدیل نگاه نقش داشته است.

به‌عنوان نمونه در این سال‌ها خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها بخش‌های ویژه‌ای را به اخبار کشور افغانستان و البته مهاجران افغانستانی اختصاص داده‌اند. کتاب‌های بسیاری در این موضوع نگاشسته شده و در سراسر یال‌ها، فیلم‌های سینمایی و مستندهای تصویری هم پرداخت قوی‌تری در قبال مهاجران افغانستانی صورت گرفته است. در کنار این عوامل، مسئله مدافعان حرم و حضور مخلصانه و شجاعانه رزمندگان افغانستانی در مبارزه با داعش توانسته است حس خوبی را به مخاطبان منتقل کند و نگاه‌های واقعی‌تری و منصفانه‌تری را به آنان هدیه بدهد.

این موارد را با خط خبری رسانه‌های بیگانه و معاند مقایسه کنید که سعی می‌کنند حسنی ناگوار از افغان‌ها سس را به مردم ایران تزریق کنند. این تلاش بی‌تردید انسجام ملی و اتحاد اسلامی را خدشه‌دار می‌کند و با تزریق ناامنی روحی و روانی به مردم، باعث می‌شود شکاف‌ها و دوقطبی‌های بیشتری در جامعه پدیدار شود تا در سایه تار تارک آن، بزها، کینه‌ها و محرومیت‌ها گسترش پیدا کند. از این رو لازم است رسانه‌های رسمی کنند با انتخاب راهبردهای تمدنی صحیح و توجه به خطا حرکتی دشمن، اقدام به بازنمایی صحیح موضوع مهاجران در ایران کنند. در این میان نایبست از نقش ممتاز و بی‌بدیل رسانه‌های مردمی و مجازی غفلت کرد؛ پس باید گروه‌های پیشرو و فعال رسانه‌ای در ایران نسبت به ترویج این رویکرد، جدیت بیشتری نشان دهند.

<div>معرفی کتاب</div>	<div>«وطن‌دار» در پیچه‌ای از یک گفت‌وگوی جدید کتاب «وطن‌دار» اثر مرحوم محمدسرور رجایی نخستین‌بار در پاییز سال ۱۴۰۰ منتشر شد. این کتاب روایت ۱۲۸افغانستانی از سختی‌ها و شیرینی‌های مهاجرت‌شان به ایران است. مهاجرتی که به دلایل متفاوت حتی کوچ اجباری رخ داده است. تجربیات مطرح‌شده در این اثر به دوره اول تسلط طالبان بازمی‌گردد، اما ادعا شده که به بسیاری از سؤالات پاسخ داده‌نشده ایرانیان، افغانستانی‌های داخل ایران و حتی نسل بسیار جوان‌تر آنان پرداخته شده است. مهاجران افغانستانی بعد گذشت قریب به ۴دهه، به گروه جمعیتی قابل توجهی در ایران تبدیل شده‌اند و به‌نظر می‌رسد از فقدان فضایی برای بیان بسیاری از ناشنیده‌ها ناخرسندند. می‌توان گفت این کتاب مبتکر مسیری برای شکل‌گیری یک گفت‌وگوی تازه میان ایرانیان و افغانستانی‌هاست که توسط انتشارات کام‌چم در ۳۰۴صفحه منتشر شده است. در میان روایت این کتاب اسماعی قابل توجهی مانند محمد کاظمی، سیدابوطالب مظفری، محمدشریف سعیدی، زهر حسین‌زاده و خود مرحوم محمدسرور رجایی دیده می‌شود.</div>
------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------